

## خورشید و فرشته، نمادی از زن در کاشی‌های کاخ گلستان

الهه پنجه‌باشی<sup>۱\*</sup>، فرنیا فرهد<sup>۲</sup>

### چکیده

کاخ گلستان قدیمی‌ترین بنای سلطنتی در شهر تهران محسوب می‌شود که تزیینات کاشی‌کاری آن تنوع موضوع و نقش بسیاری دارد. کاشی‌های محوطه، همچون دفتری مصور، ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی-سیاسی دوره قاجاریان را به نمایش درآورده‌اند. همه نقش‌ها تحت تأثیر هنرهای مختلف قاجاری، همچون چاپ سنگی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، عکاسی و کارت پستال‌های غربی، شکل گرفته‌اند. تلاش نگارندگان در مقاله حاضر بر آن بوده تا ویژگی تصویری کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان را بررسی کنند. آنچه در این پژوهش مطالعه شده، تصویر زن در کاشی‌کاری‌های محوطه باستانی کاخ گلستان است. بر این اساس، پرسش‌های این مقاله بدین ترتیب است: تصویر زن در کاشی‌های کاخ گلستان چه ویژگی‌هایی دارد؟ تصویر زن در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان با چه نقش‌هایی ترکیب شده‌اند؟ نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که نقش‌مایه زن در کاشی‌ها با دو نقش خورشید و فرشته ترکیب شده است. نقش‌مایه زن به صورت خورشید با توجه به ویژگی‌های زن شرقی ترسیم شده است و در نقش‌مایه زن به صورت فرشته تأثیرپذیری از هنر غرب و نقاشی رنسانس به‌خوبی نمودار است. از این‌رو، شاهد پیوند هنر ایران و اروپا هستیم.

### کلیدواژگان

خورشید، زن، فرشته، قاجار، کاخ گلستان، کاشی.

۱. استادیار پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا  
elaheh\_141@yahoo.com  
farniaafarhad@gmail.com

۲. کارشناس ارشد ارتباط تصویری، مدرس دانشگاه غیرانتفاعی رسام  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۹

## مقدمه

اهمیت دوره قاجار را می‌توان به دلیل آغاز تقابل سنت و مدرنیته در ایران دانست. در این دوره، تزیینات بناهای معماری رونق می‌یابد و ما شاهد پیوند هنرهای مختلف همچون کاشی‌کاری با معماری هستیم. از جمله این بناها، مجموعه کاخ گلستان است که یادگاری به‌جای‌مانده از ارگ تاریخی تهران است. کاخ گلستان با قدمتی بالغ بر ۴۴۰ سال یکی از مجموعه‌های تاریخی منحصر به فرد ایران است. کاخ گلستان در دوم تیر ۱۳۹۲ و در سی و هفتمین اجلاس سالانه کمیته میراث جهانی سازمان یونسکو به‌منزله میراث بشری از جانب یونسکو به ثبت رسید. بنای کاخ گلستان از بناهای سلطنتی قدیمی در دوره قاجار است که در زمان ناصرالدین شاه شکل کنونی به خود می‌گیرد. با توجه به علاقه شاهان قاجار به تزیینات در معماری، مجموعه‌ای از هنرها از جمله گچ‌بری، آئینه‌کاری، کاشی‌کاری و... را در این بنا شاهدیم. سرتاسر دیواره‌های محوطه بیرونی این بنا از کاشی‌های رنگارنگ پوشیده شده است. این کاشی‌ها به صورت هفت‌رنگ و به شیوه زیرلعابی نقاشی شده‌اند و مضامین و نقش‌ها متنوع هندسی، گیاهی، جانوری و انسانی دارند. در نقاشی کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان، تصویر زن کمتر از دیگر عناصر بصری استفاده شده است و تصویر زن همیشه همراه تصویر خورشید و فرشته دیده می‌شود. در تصویر خورشید بر چهره زن و در تصویر فرشته به اندام زن تأکید شده است.

## روش تحقیق

این مقاله بر روش تاریخی-تحلیلی مبتنی است و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی (کتابخانه‌ای) و مشاهدات میدانی است. رویکرد این پژوهش، تحلیل ویژگی‌های تصویری زن در کاشی‌های محوطه کاخ گلستان در قالب خورشید و فرشته است.

## پیشینه پژوهش

کاشی‌کاری در دوره قاجار از لحاظ تصویری، سبک و تکنیک وارد مرحله جدیدی می‌شود و به دلیل داشتن ویژگی‌های درخشان همواره مورد توجه بسیاری از پژوهش‌گران ایرانی بوده است. بنای کاخ گلستان نمونه‌ای درخور توجه از کاربرد این هنر در معماری در دوره قاجار است. کریمی (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی نقش‌های کاشی‌کاری مجموعه کاخ گلستان» [۲۱] و اسدیپور (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل ماهیت و ساختار بازنمایی فضای شهری در کاشی‌کاری‌های قاجاری کاخ گلستان» [۴] و سامانیان و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی مضامین تصویری کاشی‌های نقش‌برجسته موجود در تالار اصلی کاخ موزه گلستان» [۱۲] به توصیف نقش‌های کاشی‌ها و تحلیل کاشی‌ها در بخش‌هایی از بنای کاخ گلستان پرداخته‌اند. همچنین، گودرزی

(۱۳۸۸) در کتاب *آینه خیال* [۲۳]، سیف (۱۳۹۲) در کتاب *نقاشی روی کاشی* [۱۳] و ریاضی (۱۳۹۵) در جدیدترین کتاب خود به نام *کاشی‌کاری قاجاری* [۱۱] به‌طور کلی کاشی‌کاری دوره قاجار را مورد پژوهش قرار داده‌اند. باین‌حال، در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به نقش زن به‌عنوان موضوع اصلی پرداخته نشده است. در این مقاله، با استفاده از پژوهش‌های یادشده، ویژگی‌های بصری تصویر زن در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان، که با دو نشان تصویری خورشید و فرشته ترکیب شده‌اند، مطالعه شده است. تأثیرپذیری از هنر غرب در کاربرد تصویر زن در این کاشی‌ها از نکات مورد توجه است.

### معرفی مجموعه کاخ گلستان

در زمان شاه عباس اول، در محل کاخ گلستان فعلی، عمارت دیوانی چهارباغ و چنارستانی احداث شده بود. بین سال‌های ۱۱۶۳-۱۱۹۳ ق، هم‌زمان با حکومت کریم‌خان زند، ارگ و حصار و برج‌هایی در این مکان ساخته و هنگام حکومت قاجاریه در داخل ارگ بناهایی چند احداث شد. در زمان حکومت ناصرالدین شاه، به سال ۱۲۶۸ ق، قسمت شرقی باغ توسعه یافت و کاخ‌های دیگر در اطراف آن، که باغ گلستان نامیده می‌شد، بنا شد [۷، ص ۱۷۵]. در واقع، مجموعه کاخ گلستان در زمان سلطنت ناصرالدین شاه شکل کنونی به خود گرفت و در حال حاضر تنها بخش باقی‌مانده از ارگ تاریخی تهران است [۲۱، ص ۶۱]. این بنا از لحاظ نقشه شبیه به کاخ‌های عهد ساسانی است و مجموعه بناهای آن الگوی مناسبی برای مطالعه معماری صد سال اخیر است [۶، ص ۲۸۳]. پس از بازسازی کاخ گلستان، علاقه ناصرالدین شاه به کاشی‌کاری رنگارنگ، گچ‌بری و آینه‌کاری جای‌گرایش فتحعلی شاه به تزیینات منقوش را گرفت. بررسی آرایه‌ها، نقش‌ها و شیوه پرداخت آن‌ها نه‌تنها اطلاعاتی درباره زیبایی‌شناسی می‌دهد، بلکه نشانه‌های مهمی دربارهٔ هنرهای اجتماعی و سیاسی آن روزگار را ارائه می‌دهد [۱۷، ص ۱۱-۱۱]. مجموعه باستانی کاخ گلستان با وقایع سیاسی فوق‌العاده مؤثر، بخش جدایی‌ناپذیر از حافظه تاریخی ملت ایران را تشکیل می‌دهد. با این اوصاف، کاخ گلستان با قدمتی که از لحاظ حافظه تاریخی به ۴۴۲ سال می‌رسد، یکی از مجموعه‌های تاریخی منحصربه‌فرد ایران است. این مجموعه با این قدمت نه‌تنها بیانگر بخش مهمی از تاریخ هنر این مرز و بوم است، بلکه به‌واسطهٔ رخداد‌های فوق‌العاده، مانند انقلاب مشروطه و تبعات ناشی از آن، به مجموعه‌ای بی‌بدیل و سندی زنده از بخش مهم تاریخ ایران تبدیل شده است. مجموعه کاخ‌های باغ گلستان در حال حاضر شامل موزه، تالار آینه، تالار برلیان، تالار عاج، شمس‌العماره، تالار ظروف، ایوان تخت مرمر، عمارت بادگیر، نگارخانه، عکس‌خانه، تالار الماس، تالار سلام، کاخ ابیض، خلوت کریمخانی و حوض‌خانه است که در مرکز شهر کنونی تهران و در محوطه‌ای با دیوارهای منقوش از کاشی‌های هفت‌رنگ قرار گرفته‌اند.



تصویر ۱. تصویری از بنای اولیه کاخ گلستان [۲۸]

## کاشی کاری کاخ گلستان

در دوره قاجار، کاشی کاری با استفاده از هفت رنگ طیف خورشید، مشهور به کاشی های هفت رنگ، زیبایی و ابتکار تازه ای در کاشی کاری به وجود آورده است [۱، ص ۳۰۸]. توسعه کاشی هفت رنگ را می توان ناشی از تحولات اقتصادی زمان دانست. این کاشی ها نقش و نگارهای فراوانی داشتند که از دوره روکو کو اسپانیا تأثیر پذیرفته بودند [۱۸، ص ۳۴]. در دوره قاجار، کاربرد شیوه کاشی هفت رنگ همراه رنگ آمیزی زیر لعاب روش غالب بوده است [۲۰، ص ۱۱]. از خصوصیات مهم کاشی های زیر لعابی دوران قاجار تنوع رنگ، تنوع نقش ها، برجسته بودن و کاربردهای مختلف آن است. طیف رنگ ها گسترده بود و علاوه بر رنگ های استفاده شده در دوره های قبل، از رنگ های جدیدی نیز استفاده می شده است [۳۰، ص ۲۳۲]. این شیوه و ویژگی های آن روی کاشی های هفت رنگ محوطه باستانی کاخ گلستان نیز تکرار شده است. تأکید هنر قاجار بر موضوعات مرسوم در هنر ایران باستان به منظور ایجاد اقتدار سیاسی شاهان قاجار با شاهان ایران باستان و مشروعیت بخشیدن به قدرت و حاکمیت دوره است [۳، ص ۴۱]. تصاویر نقاشی شده روی کاشی در دوره قاجار در ادامه سنت های باستانی گذشته است و به تقلید از آن، در بهره گیری از موضوعات یادشده، به علاوه با تأثیرپذیری از هنرهای نوپای آن زمان، همچون عکاسی، چاپ سنگی، نقاشی روی کاشی، وارد مرحله جدیدی می شود [۱۲، ص ۶۱]. طرح و نقش های به کاررفته در کاشی کاری قاجار به چند گروه تقسیم می شوند. گروه نخست چهره شاهزادگان، درباریان زن و مرد با لباس های فاخر، دسته دوم صحنه های درباری شامل حضور سفیران و نمایندگان سیاسی، دیدار مردم با شاه و غیره، گروه سوم نقاشی های درباری مانند رقص و حرکات بندبازی که عموماً زنان انجام می دادند و گروه چهارم نقاشی های حماسی،

مذهبی و ملی بودند [۱، ص ۳۰۰]. در مجموعه کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان نیز شاهد نقش‌های متنوعی از این گروه همچون نقش‌های گیاهی، جانوری، انسانی و هندسی هستیم که نقش‌های هندسی، اسلیمی و پیچک‌ها در کنار نقش گلدان‌های گل و سبدهای میوه، فرشتگان و اساطیر یا پرندگان مشاهده می‌شوند. موضوع انسان و شیوه ترسیم شخصیت‌ها بیش از دیگر نقش‌ها چشم بیننده را به خود جلب می‌کند. در جدول ۱، نمونه نقش‌های استفاده‌شده در محوطه باستانی مجموعه معرفی شده است.

جدول ۱. نمونه نقش‌های موجود در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان

دسته	نقش‌ها	نمونه تصویر
گیاهی	گلدان گل، سبد میوه، نقش‌های اسلیمی، درخت و... به‌منزله عنصری تزئینی بیشتر کاربرد داشته است.	
حیوانی	شیر، اسب، سگ، خرس، پرنده، بز و... در نمایش صحنه‌هایی از زندگی اجتماعی مردم و طبیعت ایران به کار برده شده است.	
انسانی	تصویر زن و مرد شامل شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، اساطیری و داستانی است. نمایش چهره و اندام زنانه در نقش فرشته و خورشید دیده می‌شود.	

ادامه جدول ۱. نمونه نقش‌های موجود در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان

دسته	نقش‌ها	نمونه تصویر
هندسی	ستاره هشت‌پر، قاب‌های بیضی و مستطیلی شکل به‌منزله عنصری تزئینی و به رنگ‌های آبی لاجوردی و زرد هستند.	
معماری	کاخ‌ها، خانه‌های اشرافی، کلیساها و... اغلب نمایی از بناهای اروپایی را با الهام از کارت‌پستال‌های غربی نشان داده‌اند.	

نقش‌ها در کاشی محوطه باستانی کاخ گلستان در قالب موضوعات مختلف ملی، حماسی و اسطوره‌ای، تاریخی و مذهبی، اجتماعی، سیاسی و اساطیری تصویر شده است و هریک به تنهایی یا در ترکیب با دیگر نقش‌ها، اشاره‌ای به داستان یا مفهومی دارند که برگرفته از

فرهنگ و تمدن این سرزمین است. همه تصاویر به سبک و سیاق نقاشان قاجاری ترسیم شده است و تأثیر از چاپ سنگی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، عکاسی و کارت‌پستال‌های غربی به‌خوبی نمایان است.

نقاشی «قهوه‌خانه» به‌طور عام، بازتابانندهٔ علایق، آمال، اسطوره‌ها و اعتقادات ملی مذهبی حاکم بر اقلشار متوسط و پایین جامعهٔ شهری ایران است. موضوعات ترسیم‌شده در نقاشی قهوه‌خانه اغلب دارای منشأ دینی و ادبی است [۱۶، ص ۷].

رنگ‌ها و شیوهٔ ترسیم در نقاشی «قهوه‌خانه‌ای» برای خودشان مفهوم و شأنی دارند. قلم‌گیری‌های سیاه و توجه به ریزه‌کاری، سادگی و صراحت در طرح، استفاده از تیرگی و روشنی در ترسیم تصاویر وجود دارد. همهٔ این ویژگی‌ها از نکاتی است که در نقاشی «قهوه‌خانه‌ای» و تأثیر آن بر نقاشی کاشی‌های محوطهٔ باستانی کاخ گلستان دیده می‌شود. همچنین نقش‌ها، به‌خصوص در نقش‌های انسانی که به صورت تک‌رنگ ترسیم شده است، یادآور شیوهٔ طراحی در کتاب‌های چاپ سنگی‌اند.

این تصویرسازی‌ها با تأکید بر سادگی طرح، حذف رنگ و تزیینات لباس‌ها خلاصه می‌گردد و در مقابل بر قدرت بیان طراحی تأکید شده است. حجم‌پردازی، سایه‌روشن و طبیعت‌گرایی به کمک هاشورزنی به منزلهٔ بارزترین نمود بصری «چاپ سنگی» است و در برخی دیگر با روش‌هایی نظیر نقطه‌چین اجرا شده است. درواقع، عنصر بصری اصلی در تصاویر «چاپ سنگی» خط است [۲۵، ص ۵۸-۵۹].

به‌طور کلی، علل و عوامل شاخص و مؤثر در تغییر مبانی تصویری نقاشی قاجاری را می‌توان در مواردی مانند ورود تفکر حجم‌گرایانه به موازات نگرش انسان‌مدارانه و به دنبال آن تمایلات شبیه‌سازی، استفاده از پرسپکتیو غربی و فضا‌سازی سه‌بعدی در اثر، استفاده از دورنما‌سازی در پس‌زمینه، بهره‌گیری افراطی از عناصر تزئینی و درنهایت استفاده از اشیای زندگی معاصر در اثر دانست [۴، ص ۸]. همچنین، تعداد بسیاری از کاشی‌ها با طرح بناهای معمایی یا منظره‌هایی از طبیعت است که شیوهٔ ترسیم آن‌ها همچون کارت‌پستال‌هایی است که از اروپا به ایران آورده شده بود. این آثار تأثیر فراوانی بر نقش‌ها و شیوهٔ ترسیم آن‌ها بر کاشی گذاشته است. عکاسی نیز بر شیوهٔ اجرای چهره‌ها و حالات مختلف در نقش‌های انسانی بسیار تأثیر گذاشته است. با مطالعهٔ کاشی‌های به‌جای‌مانده در بناهای مختلف در دورهٔ قاجار درمی‌یابیم شیوهٔ ترسیم نقش‌ها، به‌ویژه نقش‌های انسانی، با یکدیگر شباهت‌های بسیاری دارند، که این یکنواختی، تکرار و شباهت‌ها نشان می‌دهد نقاشان این دوره همگی تحت تأثیر شیوه و روشی خاص دست به خلق اثر می‌زدند.

## تحلیل نقش مایه زن در قالب دو نقش خورشید و فرشته در کاشی کاری کاخ گلستان

در دوره قاجار، به سبب مواجهه ایران با غرب و تمایل دربار به تجربه دنیای مدرن و همچنین اشتیاق جهان غرب به شناخت دنیای شرق، نوعی دوگانگی سنتی و مدرن در بسیاری از مناسبات اجتماعی، فرهنگی و هنری جامعه نمایان شد. هنرهای تصویری دوره قاجار، که به علت تعدد تصویر زنان جلوه‌ای زنانه داشت، به موازات سیر هنری و در راستای تحولات اجتماعی و بر مبنای معیارهای زیبایی‌شناسی زمان خود، از تأثیرات مواجهه با غرب بر کنار نماند. تصویر زنان در پی آشنایی با هنر غرب، تغییر سلیقه دربار، فاصله گرفتن تدریجی هنر از فضای دربار و رواج هنرهای مردمی، از تصویری آرمانی، خیالی و محدود به حوزه دربار به تصویری عینی، واقع‌گرا و در پیوند با مناسبات زندگی روزمره مبدل شد. ادامه این روند، همسو با افزایش فعالیت‌های اجتماعی زنان، تصویری نوین از آن‌ها در گونه‌ها و مضامین مختلف هنری ارائه کرد که با سیر رویدادهای اجتماعی و تغییر تدریجی نگرش دربار و جامعه به آن‌ها توأم بود [۸، ص ۵۳]. استفاده از نقش مایه زنانه در محصولات هنری قاجار، از جمله در کاشی‌نگاری‌ها، فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی کاخ‌ها و خانه‌های اعیان و اشراف از ویژگی‌های شاخص این دوره است. تصویر زنان نقش‌بسته بر کاشی‌ها در تعامل هویتی با تصویر زن فرنگی، چهره جدیدی از زن را به نمایش گذاشته است. در این زمینه هم شاهد حضور تصویر زن ایرانی اسلامی و هم حضور نقش زن غربی هستیم [۵، ص ۵۷۷]. در بررسی کاشی‌های موجود در محوطه باستانی کاخ گلستان، درمی‌یابیم که بیشترین نقش زن در تصاویر روی کاشی‌ها به صورت نقش اساطیری فرشته یا خورشید ترسیم شده است و در مواردی معدود و فقط در یک قاب، تصاویری از زنان فرنگی مشاهده می‌شود که ویژگی کامل، همراه با تناسب دقیق از شخصیت انسانی زن دارند که بی‌شک آن نیز تحت تأثیر کارت پستال‌های غربی ترسیم شده است. در جدول ۲، ویژگی نقش مایه زن در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان بررسی شده است.



جدول ۲. ویژگی نقش‌مایه زن در نمونه کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان

عنوان	نقش ترکیب‌شده با تصویر زن	ویژگی تصویری	تصویر
نمونه تابلو کاشی‌کاری دارای نقش زن	ندارد (تنها نمونه نقش زن در حالت شخصیت انسان زمینی)	شخصیت انسانی، پوشش غربی، حالت ایستایی غربی، نوع آرایش صورت غربی، تأثیر از کارت‌پستال‌های غربی	
نمونه تابلو کاشی‌کاری دارای نقش زن	فرشته	شخصیت اساطیری، پوشش غربی، نوع آرایش صورت غربی، حالت ایستایی غربی، تأثیر از هنر نقاشی غرب به‌ویژه دوره رنسانس	
نمونه تابلو کاشی‌کاری دارای نقش زن	فرشته	شخصیت اساطیری، پوشش غربی، نوع آرایش صورت غربی، حالت ایستایی غربی، تأثیر از هنر نقاشی غرب به‌ویژه دوره رنسانس	
نمونه تابلو کاشی‌کاری دارای نقش زن	خورشید	شخصیت غیرانسانی، بدون پوشش، تأثیر از هنر شرق و زنان قاجار، نوع آرایش صورت شرقی	
نمونه تابلو کاشی‌کاری دارای نقش زن	خورشید	شخصیت غیرانسانی، بدون پوشش، تأثیر از هنر شرق و زنان قاجار، نوع آرایش صورت شرقی، همراهی با شیر به‌منزله نمادی ملی	

## خورشید

در تصویر زن در قالب خورشید، خورشید در پشت شیر پنهان شده است. این نقش به تکرار در کاشی کاری‌های به جای مانده از دوره قاجار دیده می‌شود و چهره‌ای که از خورشید ارائه شده است، اغلب یک زن قاجاری با همان ابروان پیوسته است [۲۳، ص ۱۶۵]. قدیمی‌ترین مفهوم نمادین نقش شیر و خورشید، مفهوم نجومی این نقش است که قدمت آن به هزاره چهارم قبل از میلاد برمی‌گردد. از نظر منجمان، هرگاه کوكب خورشید در برج اسد (شیر) قرار بگیرد، زمان آسایش و امن است [۲۹، ص ۳۴۹]. نقش شیر و خورشید، به منزله نمادی خوش‌یمن، همیشه مورد توجه منجمان و هنرمندان بوده است و مفهوم مذهبی این نقش از دوران سلجوقی به بعد به عنوان نماد شیعه در اماکن و اشیای مذهبی طرح شده است [۱۰، ص ۳۲]. خورشید موهبتی است الهی که خداوند سبحان به آن قسم یاد کرده و آن را در مرتبه والایی برای انسان‌ها قرار داده است. مفهوم مذهبی نقش شیر و خورشید در هنر اسلامی از اواخر دوره سلجوقیان مشاهده شده و تا به امروز کاربرد داشته است. به دلیل سرسختی و تعصب سلجوقیان به شیعیان، این نقش به منزله نماد شیعه در امامزاده‌ها و مراکز شیعی و در دوره‌های بعدی در حکومت شیعیان استفاده شده است. نقش خورشید به منزله نماد پیامبر اسلام (ص) و شیر به منزله نماد حضرت علی (ع) منظور شده بوده است [۲۷]. خورشید با صورتی مؤنث با ابروهایی به هم پیوسته را احتمالاً می‌توان نماد صفات جمالی ذات حق تعالی دانست. این نقش به صورت تنها در لچکی‌ها یا تاج کاشی یا همراه با نقش شیر در محوطه کاخ گلستان ترسیم شده است. ترکیب این دو عنصر با یکدیگر مفهوم نمادین دارد. خورشید نماد زن، حیات و زندگی است و شیر نماد مردانگی که از هویت ملی سرچشمه می‌گیرد و در معنای اول خود محافظ زن و خورشید زندگی است. در جدول ۳ همه نقش‌های موجود از زن با خورشید در محوطه باستانی کاخ گلستان نشان داده شده و تحلیل شده است.

جدول ۳. مجموعه‌ای از نقش زن با خورشید، در محوطه باستانی کاخ گلستان

نقش خورشید	رنگ خورشید	نقش شیر	توضیحات
	زرد	دارد	صورت گرد و سرخ‌گونه، ابرو و گیسوان مشکی که از قسمت وسط پیشانی به صورت قرینه ترسیم شده است، چشمان درشت، بینی پهن، دهان کوچک
	آبی-زرد	ندارد	صورت گرد و سرخ‌گونه، ابرو و گیسوان مشکی و به‌هم‌پیوسته که از قسمت وسط پیشانی به صورت قرینه ترسیم شده است، چشمان درشت، بینی پهن
	آبی-قرمز	دارد	صورت گرد و سرخ‌گونه، ابروان پهن و پیوسته، گیسوان مشکی، چشمان درشت، بینی پهن، دهان کوچک
	آبی-قرمز	ندارد	صورت گرد و سرخ‌گونه، ابرو و گیسوان مشکی که از قسمت وسط پیشانی به صورت قرینه ترسیم شده است، چشمان درشت، بینی پهن، دهان کوچک
	آبی-قرمز-زرد-سرمه‌ای	دارد	صورت گرد و سرخ‌گونه، ابرو و گیسوان مشکی و به‌هم‌پیوسته که از قسمت وسط پیشانی به صورت قرینه ترسیم شده است، چشمان درشت، بینی پهن و دهان کوچک
	آبی-قرمز-سرمه‌ای	دارد	صورت گرد و سرخ‌گونه، ابرو و گیسوان مشکی که از قسمت وسط پیشانی به صورت قرینه ترسیم شده است، چشمان درشت، بینی پهن، دهان کوچک

تصویر زن در خورشید موجود در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان با گیسوان و ابروهای مشکی و گاه به هم پیوسته، چشمان بادامی و درشت و صورتی سرخ‌گونه همگی الهام‌گرفته از زن شرقی است. همه نقش‌ها و جزئیات چهره به صورت قرینه ترسیم شده است. پوست سفید و گل‌انداخته، بینی پهن و دهان کوچک نیز یادآور زنان در دوران قاجار است. این شباهت در تصویر ۲ و ۳ میان عکس زنان قاجاری موجود در مرکز اسناد کاخ گلستان با نمونه نقش زن در خورشید موجود بر کاشی‌های محوطه کاخ گلستان نشان داده شده است.



تصویر ۲. زنان ناصرالدین شاه، تصویر ۳. نقش خورشید، کاخ گلستان

ترسیم هاله‌های رنگی در فضای خارج از چهره به تصویر زن ماهیت خورشید داده است. پرتوهای خورشید با خطوط شکسته یا مثلثی شکل ترسیم شده‌اند. پرتوهای نور با استفاده از رنگ زرد یا با ترکیبی از رنگ‌های آبی و قرمز رنگ‌آمیزی شده است. رنگ زرد یا قرمز استفاده شده در ترسیم خورشید، گرما و انرژی این نشان پر قدرت را به مخاطب می‌رساند. به‌طور کلی، می‌توان تصویر زن در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان را به دو دسته شرقی و غربی تقسیم کرد که زن در خورشید نمادی از زن مشرق‌زمین است که اندام او با توجه به اعتقادات اسلامی در پشت خورشید پنهان شده است و زن در قالب فرشته، با الهام از تفکرات غربی، به صورت یک موجود فرازمینی و خارج از محدودیت‌های نمایشی ترسیم شده است. در بخش بعد، نقش زن به صورت فرشته‌ای اساطیری بررسی خواهد شد.

## فرشته

در قسمت‌هایی از نقش‌های کاشی‌کاری شده در محوطه باستانی کاخ گلستان نیز نقش انسان و حیوان ترکیب شده است و نقش اساطیری و غیرزمینی دیو و فرشته را نمایش می‌دهد. این دو نقش در بسیاری از آثار به‌جای‌مانده از عهد قاجار تکرار شده است که همیشه بازگوکننده و نمادی از خیر و شر بوده است.

فرشته موجودی لطیف است که با قدرتی فراتر از زمان و مکان می‌تواند برتر از مقتضیات بشری سیر کرده و بین آسمان و زمین به حرکت درآید. فرشته نمادی از نفس بالدار است. رمزی کهن که در تمام تمدن‌ها و ادیان راهیابی به ملکوت را میسر می‌سازد [۲۲، ص ۵۹].

فرشته موجودی است که امکان بازیابی ملکوت را میسر می‌کند و در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی فرشته مظهر کمال و زیبایی است. فرشتگان در ملکوت آسمانی خداوند به منزله بندگانی هستند که اوامر الهی را در زمین اجرا می‌کنند و در آیین زردشتی کلمه ایزد به فرشتگان اطلاق می‌شود [۲۶، ص ۳۲۲]. نقش زن بالدار به‌عنوان موجودی غیرزمینی و فرشته‌گونه است. این نقش بیشتر در کاشی‌کاری‌های بخش ورودی سردرها دیده می‌شود که از این رو آن‌ها را فرشتگان محافظ نیز می‌توان نامید.

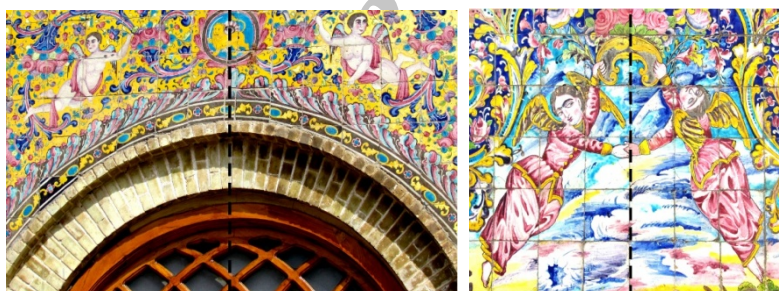
فرشتگانی که اندامی کاملاً انسانی به همراه دو بال دارند، به‌طوری‌که اگر بال‌ها از این شخصیت‌ها حذف شود، هیچ فرقی با پیکره‌های انسانی زنانه ندارند. پیکره و اندام آن‌ها نازک، ظریف و زنانه است. تصویرسازان از پاکی و ظرافت زنان استفاده کرده و فرشتگان را از این حیث به زنان شباهت داده است. بال‌های این فرشتگان در اندازه‌های مختلف و به اشکال متفاوت از پشت بدن فرشته روئیده‌اند [۲۴، ص ۴۱].

بال روی بدن انسان علامت الوهیت، طبیعت روحانی، تحرک، حفاظت و نیروهای فراگیرنده خداست. بال‌ها نشانه پیک ایزدان تیزپا و نیروی ارتباط بین ایزدان و انسان‌ها هستند [۱۹، ص ۵۱]. فرشتگان در دوره قاجار جایگاه مهمی در تصاویر چاپی داشته و تقریباً در هر موضوع مذهبی یک تا دو فرشته همواره حضور داشته است. می‌توان گفت فرشتگان در دوران قاجار در موضوعات متنوع‌تری حضور می‌یابند. این فرشتگان یادآور (کوپید) کودک - خدای عشق یونانیان باستان است. بنابراین، در دوره قاجار هم مانند رنسانس فرشته‌ها از جایگاه آسمانی خود به زمین نزول کرده‌اند [۱۵، ص ۹۵]. نقش کوپید در دوره قاجار روی تمپر، عکس و کارت‌پستال‌های وارداتی از اروپا نیز دیده می‌شود که می‌توان گفت احتمالاً بر کاربرد آن در تزئینات بناهای دوره قاجار تأثیرگذار بوده است [۱۴، ص ۴۴]. تصویر زن فرشته در کاشی‌های محوطه کاخ گلستان مشابه فرشتگان ترسیم‌شده در دوره رنسانس است که در تصویرسازی‌های چاپ سنگی دوره قاجار نیز بسیار استفاده شده است. در تصویر ۴ و ۵ نمونه‌هایی از حضور نقش فرشته در نسخه‌های چاپ سنگی دوره قاجار نشان داده شده است.



تصویر ۴. سرلوح روزنامه روح‌القدس [۲، ص ۱۳۷]، تصویر ۵. سرلوح روزنامه علمی [۱۵، ص ۹۸]

شیوه ترسیم و رنگ آمیزی‌های استفاده شده در تصویر زن بالدار موجود در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان کاملاً با تصویر زن در خورشید متفاوت است و حالاتی از زن غربی را به نمایش گذاشته شده است که تأکیدی بر قدمت و فراگیری این نقش در آثار جهانی و غربی است. به طور کلی، «تصویرگری دوره قاجار تأثیرهای شگرفی از تصویرسازی با شیوه اروپایی پذیرفت و تقلید و کپی برداری از تصویرهای غربی و همچنین رواج عکاسی و نقاشی از روی عکس موجب ایجاد نگاهی طبیعت‌انگار شد» [۹، ص ۱۴۵]. فرشتگان با بدن‌های خشک و بی حرکت که چهره و ابروانی قاجاری دارند با حرکت شبه اسلیمی‌های شیپورگونه بر نشاط ساده لوحانه فضای نقش‌ها می‌افزایند [۲۳، ص ۱۵۶]. فرشتگان در فضاهای غیرهندسی و در لابه‌لای نقش‌های اسلیمی ترسیم شده‌اند و در کنار این نقش‌ها پیکره‌های انسانی دیگری دیده نمی‌شود. این طور به نظر می‌رسد که تلفیق و همراهی این شخصیت با دیگر شخصیت‌های انسانی از اهمیت و ارزش این فرشتگان می‌کاسته است و قرار دادن فضاهای مجزا در بالای کادر کاشی‌ها برای آن‌ها تأکیدی بر ارزش و اهمیت آن‌هاست. توجه به اصل قرینگی و ترسیم فرشتگان به صورت جفت، با تفکرات ایرانی و علاقه آن‌ها به ترسیم فرم‌های قرینه هماهنگی و تشابه دارد. در تصویر ۶، نمونه کاشی‌هایی از کاربرد نقش فرشته به صورت قرینه در محوطه کاخ گلستان نشان داده شده است.



تصویر ۶. رعایت اصل قرینگی در ترسیم نقش فرشته در کاشی کاری محوطه باستانی کاخ گلستان

برهنه‌بودن فرشتگان در برخی از تصاویر نقاشی شده بر روی کاشی‌ها و استفاده از سایه‌روشن و حجم‌نمایی در پوشش فرشتگان و اندام آن‌ها، تأکید محکمی بر نفوذ شیوه نقاشی اروپایی در هنر نقاشی قاجار است. علت این تأثیرپذیری از غرب در پی رشد ارتباطات فرهنگی میان جامعه ایران و اروپا در دوره قاجار بوده است. مشابه این تصاویر را می‌توان در نقاشی دیواری‌های دوران رنسانس در اروپا نیز مشاهده کرد. در تصویر ۷، نمونه‌های قابل مشاهده از حضور فرشتگان در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان آورده شده است.



تصویر ۷. نقش اساطیری فرشته در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان

جدول ۴. مجموعه‌ای از المان‌های تکرار شده در ترسیم نقش فرشته، در محوطه باستانی کاخ گلستان

حالت دست‌ها	گردش صورت	شال	بال
			
حالت دست در همه نقش‌های فرشتگان به سمت بالا (رو به آسمان) و مخالف با جهت صورت ترسیم شده است.	گردش صورت همه نقش‌های فرشتگان متمایل به راست یا چپ است و نگاه آن‌ها رو به خارج تصویر است.	فرشتگانی که اندام آن‌ها برهنه ترسیم شده است شالی بلند بر کمر و شانه‌ها دارند. معمولاً شال قرمز رنگ است.	همه نقش‌های فرشته بال‌های باز به رنگ‌های طلایی یا ترکیبی از آبی، سفید و صورتی دارند.

در بررسی تصویر زن در قالب فرشته، هشت نمونه از این فرشتگان بالدار بر چهار قاب از کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان و به صورت قرینه قابل مشاهده است. فقط دو نمونه از این فرشته‌ها پوشش دارند و دیگر نقش‌های فرشته به صورت برهنه و با شالی بر کمر ترسیم شده‌اند که با رنگ‌های ملایم و متمایل به صورتی و نزدیک به شمایل واقع‌گرایانه انسانی نقاشی شده‌اند. در جدول ۴، ویژگی‌های ثابت و تکرار شده در نقش‌های فرشته‌ها نشان داده شده است. رنگ‌بندی، نوع پوشش و حالات پیکره‌ها در کنار یکدیگر و استفاده از نماد بال، تصویر را به شخصیتی فرازمینی تبدیل کرده است. در همه نقش‌های موجود از فرشته، عنصر بال به صورت ثابت تکرار شده است و همچنین حالت صورت و دست‌ها نیز کاملاً مشابه با یکدیگر ترسیم شده‌اند. نوع طراحی چهره و اندام در برخی از فریم‌ها یادآور شخصیتی از یک کودک است و در برخی از نمونه‌ها تناسب یک انسان بالغ و فربه را دارد. چهره و گردش صورت به حالت سهرخ است و حالت چشم‌ها همچنان تصویری از زن شرقی و قاجاری را تداعی می‌کند. همه فرشتگان در پس‌زمینه‌ای عرفانی از گل یا آسمان قرار گرفته‌اند که حالت پرواز و رفتن به اوج را تداعی می‌کند.

## نتیجه گیری

در کاخ گلستان، مرکز پادشاهی قاجار در تهران، شاهد به کارگیری مجموعه‌ای از هنرها از جمله گچ‌بری، آینه‌کاری، کاشی‌کاری و... هستیم. در میان این هنرها، کاشی‌کاری کاربرد بیشتری داشته است. حیاط کنونی کاخ گلستان، که مجموعه کاخ‌ها در آن قرار گرفته است، از کاشی با نقش‌های متنوع پوشیده شده است. کاشی‌ها تصاویری از حیوانات، پرندگان، گل و میوه، نقش‌های اسلیمی و هندسی، تصویری از بناهای معماری و شخصیت‌های انسانی است که به شیوه کاشی هفت‌رنگ و به صورت زیرلعابی نقاشی شده‌اند. این نقش‌ها همگی با الهام از نقاشی قاجاری، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، چاپ سنگی، عکاسی و کارت‌پستال‌های اروپایی شکل گرفته است. از این‌رو، به مطالعه نقش‌های استفاده‌شده در کاشی‌کاری‌های این بنا و چگونگی ترسیم‌شدن تصویر زن در این کاشی‌ها پرداخته شده است. در نهایت، چنین نتیجه گرفته می‌شود که رویکرد انسان‌مدارانه از گذشته‌های دور در نگارگری ایران همواره دیده و در دوره قاجار نیز تکرار شده است. این مورد در دوران قاجار، به خصوص در دوره‌های آخر و پادشاهی ناصرالدین شاه، فزونی می‌یابد و دلیل آن هم رفت‌وآمدهای مکرر بین اروپاییان و ایرانیان در این دوره است که نتیجه آن تأثیر هنر غرب بر هنر شرقی ایرانی است. نقش‌های نقاشی‌شده بر کاشی‌های محوطه کاخ گلستان نیز تحت تأثیر همین امر، تلفیقی از هنر ایرانی اروپایی را به نمایش گذاشته‌اند. نقش‌مایه انسانی از زن در تصاویر روی کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان، به دلیل اعتقادات مذهبی ایرانیان به سایر نقش‌ها کمتر عنصر اصلی تصویر بوده است و در مجموعه کاشی‌های کاخ گلستان همواره با دو نقش خورشید و فرشته ترکیب شده‌اند و در قالب جسمی غیرزمینی دیده می‌شوند. تصویر زن در خورشید با گیسوان و ابروهای مشکی و به هم پیوسته، چشمان بادامی و درشت و صورتی سرخ‌گونه ترسیم شده است. با مقایسه و بررسی عکس‌های به‌جای‌مانده از زنان قاجاری می‌توان به این نتیجه رسید که این ویژگی‌ها با الهام از زن شرقی و قاجاری شکل گرفته است. نقش خورشید گاه با شیر و گاه به صورت تنها دیده می‌شود. نورهایی از خورشید به رنگ‌های زرد، آبی و قرمز اطراف صورت‌ها را در بر گرفته است و گویی اندام زن در پشت پرتوهای رنگی خورشید پنهان شده است. نقش دوم از زن، نقش زن در قالب فرشته است که هشت نمونه از این نقش اساطیری به صورت قرینه و جفت در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان ترسیم شده‌اند. این اولین بار نیست که نقش فرشته در هنر دوره قاجار دیده می‌شود. پیش از این نیز شاهد ترسیم نقش فرشته در دیگر هنرهای دوره قاجار همچون سرلوحه‌ها در چاپ‌های سنگی نیز بوده‌ایم. تصویر زن بالدار موجود در کاشی‌های محوطه باستانی کاخ گلستان از تصویر زن در خورشید متفاوت است. نقش فرشته ویژگی‌هایی از هنر رنسانس را دربردارد و برهنه کار شدن آن‌ها، فربه‌بودن، استفاده از سایه‌روشن و حجم‌نمایی فرشتگان تأکیدی بر تأثیرپذیری از هنر غرب است. دو بال بر شانه به رنگ‌های طلایی، صورتی و آبی، شال بلند و غالباً قرمز رنگ بر دور بدن، جهت نگاه، حالت دست‌ها، قرینگی و جفت‌بودن از ویژگی‌های ثابتی است که در همه نقش‌های به‌جای‌مانده از فرشته‌ها تکرار شده است. همه فرشتگان در زمینه آسمانی یا لابه‌لای پیچک و گل قرار گرفته‌اند و این ویژگی‌ها نقش زن را به



موجودی فرازمینی و اساطیری تبدیل کرده است. تنها در یک قاب از کاشی‌ها شاهد تصویر زن با تناسبات و ویژگی انسان زمینی و غیراساطیری هستیم که در آن دو زن در چمن‌زار را نشان می‌دهد که در این قاب نیز نوع پوشش و ترسیم چهره دو زن همچنان تحت تأثیر هنر غرب و یادآور کارت‌پستال‌های اروپایی است. به‌طور کلی، می‌توان تصویر زن در خورشید را نمادی از زن شرقی و تصویر فرشته را نمادی از زن غربی دانست و این تلفیق هنر غرب و سنتی می‌تواند گواهی بر شرایط جامعه و دوگانگی‌های اجتماعی در پی ارتباطات میان غرب و ایران باشد که همچون کتابی مصور تاریخ قاجار را بازگو می‌کند.



تصویر ۸. ویژگی نقش زن در قالب خورشید و فرشته، محوطه باستانی کاخ گلستان

## منابع

- [۱] آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). *کتاب ایران، تاریخ هنر، تهران: نشر الهدی مرکز مطالعات فرهنگی بین‌الملل.*
- [۲] احتشامی، محسن (۱۳۹۱). *لوگوهای مطبوعات دوره قاجار، تهران: مؤلف.*
- [۳] آژند، یعقوب (۱۳۸۵). «دیوارنگاری در دوره قاجار»، فصل‌نامه هنرهای زیبا، ش ۲۵، ص ۳۶-۴۱.
- [۴] اسدپور، علی (۱۳۹۳). «تحلیل ماهیت و ساختار بازنمایی فضای شهری در کاشی‌کاری‌های قاجاری (مورد مطالعه: کاخ گلستان تهران)»، دوفصل‌نامه پژوهش‌های منظر شهر، ش ۱، ص ۷.
- [۵] افضل طوسی، عفت‌السادات؛ سلاحي، گلناز؛ سلاحي، لادن (۱۳۹۲). «مطالعه کاشی‌نگاره‌هایی با نقش‌های زنان قاجاری در خانه‌های شیراز»، مجله زن در فرهنگ و هنر، ش ۴، ص ۵۷۷.
- [۶] توحیدی، فائق (۱۳۸۶). *مبانی هنرها، تهران: سمیرا.*
- [۷] تفضلی، عباسعلی (۱۳۸۷). *تاریخ هنر و معماری اسلامی از مغول تا آخر قاجار، مشهد: سخن‌گستر.*
- [۸] حاتم، غلامعلی؛ حاتم‌پور، زهرا (۱۳۸۸). «زن در هنرهای تصویری دوره قاجار»، دوفصل‌نامه هنرهای تجسمی نقش‌مایه، ش ۳، ص ۵۳.
- [۹] خلیلی، ناصر (۱۳۸۶). *مجموعه هنر اسلامی، گرایش به غرب در زمان قاجار، ج ۹، تهران: کارنگ.*

- [۱۰] خزایی، محمد (۱۳۸۱). *نمادگرایی در هنر اسلامی در مجموعه مقالات هنر اسلامی*، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد.
- [۱۱] ریاضی، محمدرضا (۱۳۹۵). *کاشی‌کاری قاجاری*، تهران: یساولی.
- [۱۲] سمانیان، صمد؛ میرعزیزی، محمود؛ فیروزآبادی، ابوالفضل (۱۳۹۳). «بررسی مضامین تصویری کاشی‌های نقش‌برجسته موجود در تالار اصلی کاخ موزه گلستان»، *هنرهای زیبا*، ش اول، ص ۶۱-۶۲.
- [۱۳] سیف، هادی (۱۳۷۶). *نقاشی روی کاشی*، تهران: سروش.
- [۱۴] سلطان‌زاده، حسین؛ مؤمنی، کوروش؛ بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۰). «بررسی نوآوری و تحولات تزئینات و نقوش کاشی‌کاری مسجد- مدرسه‌های دوره قاجار»، *فصل‌نامه نگره*، ش ۱۸، ص ۴۴.
- [۱۵] صفرزاده، نغمه؛ فاطمی، نادر؛ احمدی، بهرام (۱۳۹۴). «مقایسه تطبیقی تصویر فرشتگان در کتاب‌آرایی رنسانس با آثار چاپ سنگی قاجار»، *فصل‌نامه نگره*، ش ۳۶، ص ۹۵-۹۸.
- [۱۶] ضرغام، ادهم؛ گروئیانی، فرناز (۱۳۹۳). «نقش خیر و شر در شخصیت‌های آثار حسین قوللرآقاسی»، *فصل‌نامه نگره*، ش ۳۰، ص ۷.
- [۱۷] طباطبایی، صالح (۱۳۹۱). *دانش‌نامه هنر و معماری ایرانی*، تهران: شادرنک.
- [۱۸] عبدی‌فر، نرگس (۱۳۹۲). *هنر و معماری در دوره قاجار*، هرا: راش‌دین.
- [۱۹] کوپر، جی. سی (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد.
- [۲۰] کاربونی، استفانو؛ ماسویا، توموکور (۱۳۸۱). *کاشی‌های ایرانی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- [۲۱] کریمی، اعظم (۱۳۸۵). «بررسی نقوش کاشی‌کاری کاخ گلستان»، *فصل‌نامه رشد/آموزش*، ش اول، ص ۶۰-۶۱.
- [۲۲] کامرانی، بهنام (۱۳۸۵). «تبارشناسی نقش فرشته در نقاشی ایران»، *کتاب ماه هنر*، ص ۵۳.
- [۲۳] گودرزی، مرتضی (۱۳۸۸). *آینه خیال*، بررسی تزئینات معماری دوره قاجار، تهران: سوره مهر.
- [۲۴] موسوی، طاهر؛ خزایی، محمد (۱۳۸۹). «فرشته و دیو در آثار چاپ سنگی قاجاری»، *مجله ماه هنر*، ش ۱۳۹، ص ۴۳.
- [۲۵] مراثی، محسن؛ جباری، فاطمه (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی تصاویر نسخ چاپ سنگی و کاشی‌های مصور دوره قاجار»، *هنرهای زیبا*، دوره ۱۸، ش اول، ص ۵۸-۵۹.
- [۲۶] یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر*، تهران: سروش.
- [۲۷] حاج سید جوادی، محسن (۱۳۸۸): <http://hajsayyedjavady.persianblog.ir/post/8/>
- [۲۸] وب سایت رسمی مجموعه کاخ گلستان (۱۳۹۶): <http://www.golestanpalace.ir/history.htm>
- [29] Ettinghausen, Richard (1954). "The 'Wade Cup' in the Cleveland Museum of Art, Its Origin and Decorations", in *Ars Orientalis*, Vol2, University of Michigan, P 349.
- [30] Fehevari, Geza (2000). *The art of the Islamic world in the Tareq Rajab museum*, I.B. Tauvis & co. Ltd. London.